

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ | ۱۳ ذیحده ۱۴۴۳ | ۱۳ ژوئن ۲۰۲۲ | شماره ۱۹۵۴ - سال هفتم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۷۴
www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli
مدیر مسئول: ولی الله شجاعپوریان
سردبیر: فضل‌الله یاری
چاپ: ۰۲۱-۴۴۵۳۳۷۲۵
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۱

یادداشت

ادبیات چگونه عمل می‌کند؟

خدا را همدمی» و گاه در قالب شعر عمادالدین نسیمی کاسه صبرشان به سر رسیده و بی‌باکانه به مصاف ظلم و تعدی تاخته است: «مشتاق گل از سرزنش خار نترسد/حیران رخ یار ز اغیار نترسد/ عیار دلاور که کند ترک سسر خویش/از خنجر خون‌ریز و سر دار نترسد...»

گاهی هم در قالب شعر حماسی و ماندگار «آرش کمانگیر» سیایش کسرابی، در برهه‌های سخت سربلندی و میراث‌های کهن این سرزمین باستانی به ما دل‌داری و استقامت داده است: «منم آرش، چنین آغاز کرد آن مرد با دشمن - منم آرش، سپاهی مردی آزاد، به تنه‌ا تیر ترکش آزمون تلختان را اینک آماده، مجویدم نسب، فرزند رنج و کار/ گریزان چون شهاب از شب، جو صبح آماده‌ی دیدار/ مبارک باد آن جامه که اندر رزم پوشندش/ گوارا باد آن باده که اندر فتح نوشندش/ شما را باده و جامه گوارا و مبارک باد/ دلم را در میان دست می‌گیرم/ و می‌افشامش در چنگ/ دل، این‌جام پر از کین پسر از خون را/ دل، این بیتاب خشم آهنگ که تا نوشم به نام فتحتان در بزم/ که تا کوبم به جام قلبتان در رزم!»

و بارها در قالب شعر «ه. ا. سایه»، شاعر محبوب و کم‌نظیر، شهید شیرین زندگی را همراه با ازجان‌گذشتگی و فداکاری به همه آموخته است: «زندگی زیباست ای زیبایند/آزاده‌اند/دیشبان به زیبایی رسند/ آن قدر زیباست ای بی‌باگشت/ کز برایش می‌توان از جان گذشت...» پس تا این‌گونه می‌توان به زندگی نگاه کرد و امید داشت، جا برای نومیدی و بی‌انگیزگی نباید وجود داشته باشد و شعر به‌خوبی و زیبایی و قدرت می‌تواند این امید را در دل‌های خسته ایجاد کند.

عاطفه طارقی

روزی که سازمان «شین فین» ایرلند تأسیس شد

ایرلند از اواخر قرن پانزدهم مستعمره انگلیس بود و سازمان شین فین با هدف استقلال ایرلند توسط یک روزنامه‌نگار برجسته ایرلندی به نام آرتور گریبند در ۱۹۰۶ تأسیس شد. روش شین فین در ابتدا، مقاومت منفی در برابر انگلیسی‌ها و عقاب دولتی آنها بود ولی پس از چندی به مبارزه مسلحانه علیه دولت انگلستان تبدیل گردید.

در نهایت به دنبال شورش مسلحانه و جنگ‌های چریکی که در سال ۱۹۲۰م آغاز شد، در سال ۱۹۲۱، استقلال ایرلند جنوبی به دست آمد؛ اما شین فین به عنوان شاخه سیاسی ارتش جمهوری‌خواه ایرلند، بعد از استقلال ایرلند جنوبی، در کنار مبارزات مسلحانه ارتش جمهوری‌خواه ایرلند شمالی (ایرا)، برای وحدت دو بخش شمالی و جنوبی ایرلند، به مبارزات سیاسی خود ادامه داد تا این‌که پس از دو سال مذاکرات فدره با دولت انگلیس و احزاب پروتستان طرفدار انگلیس در ایرلند شمالی، در دهم آوریل ۱۹۹۸م، رهبران شین فین موافقت‌نامه صلحی با انگلیس امضا کردند.

مهاجرت به آمریکا، این فرصت را برای تعدادی از ایرلندی‌ها به وجود آورد که پس از کسب جایگاه مالی مناسب، به حمایت از جنبش‌های ضد انگلیسی در کشورشان بپردازند. نهضت «فرمانروایی مپهنی» در ایرلند پا گرفت و به تدریج، عرصه را بر انگلیسی‌های لفظی تمامیت‌خواه تنگ کرد. هدف این نهضت، فسخ قانون اتحاد جزیره ایرلند با بریتانیا و تشکیل یک مجلس مستقل ملی بود و این، یعنی استقلال ایرلند، پارلمان بریتانیا از خواسته نهضت «فرمانروایی مپهنی» حمایت نکرد.

ایرلندی‌ها که دیگر حاضر نبودند وابستگی به انگلیس را تحمل کنند، به پا خاستند. نهضت «شین فین» در زبان ایرلندی به معنای ما خودمان) به مبارزه برای آزادی ایرلند ادامه داد. با آغاز جنگ جهانی اول، «شین فین» احساس کرد که می‌تواند به آمال آزادی‌خواهانه مردم ایرلند جامه عمل بپوشاند؛ نخستین شورش سراسری آنها، در آوریل سال ۱۹۱۶، به‌شدت سرکوب شد، اما آتش مبارزه خاموش نشد. هنرمندان به‌شده عرصه مبارزه گذاشتند؛ جرج برنارد شاو و جیمز جویس، نویسندگان نامدار ایرلندی، با آثارشان غرور ملی هم‌وطنان خود را تقویت کردند. با پایان یافتن جنگ جهانی اول، ایرلندی‌ها شاهد مقصود را در آغوش کشیدند

و «دی‌والرا»، رهبر وقت «شین فین»، پس از مذاکراتی جنجالی با «لوید جرج»، نخست‌وزیر انگلیس، استقلال ایرلند را در سال ۱۹۲۲ اعلام کرد. ایرلندی‌ها که در آن زمان به‌سرعت به‌سوی دموکراسی و توسعه اقتصادی حرکت کردند، به‌تدریج به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته در جهان شناخته شدند. در سال ۱۹۸۰، تعدادی از اعضای زندان انگلیسی‌ها دست به اعتصاب غذا زدند؛ مرگ بابی ساندز، جوان ۲۷ ساله ایرلندی، پس از ۶۶ روز اعتصاب غذا، دنیا را شوکه کرد. تلاش‌ها برای انعقاد پیمان صلح آغاز شد؛ پیمانی که در آوریل سال ۱۹۹۸، بین انگلیس و سران «شین فین» امضا شد و به معاهده «جمعه نیک» شهرت یافت؛ اما این پیمان، با وجود تأثیرگذاری‌اش، بر سیاهه اختلافات مذهبی و سیاسی در ایرلند مَهر پایان نداد.

یادداشت

بررسی سروده‌های فرشته محمدشاهی

آخرین برگ بر این جاده متروک



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

به پلک بر هم زدنی به هم جوش می‌خورند. در این پیوند و آغشتگی، کلمه‌های صمیمانه سعی می‌کنند جهان تازه‌ای را بیافرینند: «در آن ژرفا چه کسی خاک سیاه را به توبره‌او در جای - جای خالی شهاب‌ها بدر ستاره می‌پاشد؟ انگار بر کتیبه‌ماه نیز اسطوره‌ها رخنه کرده‌اند»

این زبان، در این نوع شعرها، متعالی‌ترین رویداد هستی انسانی ست. شاعر دست به عمیق‌ترین آب‌های زیرزمینی و سیلاب زمانه می‌برد. چیزی نوشه و جلودانه می‌گیرد و در قالب کلام نغمه می‌داند: «لباس روز را می‌پوشی اشب را تا کنی می‌گذاری در جیب پیراهنت/ او بی‌دغدغه با سیگاری روشن از کنار درختانی که تک‌تک می‌گریزند می‌گریزی/ مسافت‌های دور کم‌کم تجزیه می‌شوند/ زیر پلک زنبوری وز وز می‌کند حالا: چرا پشت سرش آب نریختی دختر احقر؟»

شاعر گاهی از مائده‌های منوی و شور و شعور نیوت گونه بیش از آن نصیب می‌برد که بتواند خطناک‌ترین دره‌ها ندارد. شاعر می‌گوید: «چنان جا خوش کرده در دلم/ که برنده‌ای بتید در لانه‌اش به گندم‌زار» شعر همان تپش دل و سوز درون پرنده به گندم‌زار است و شعر، شکلی از یک بازی خاضعانه است که رها از قیود این جهان خراب، صور خیال خود را می‌سازد؛ و رؤیایزه در عاطفه تخمیر می‌شود تا در ساحت خیال بماند. زبان، ظرف ارائه عاطفه و تخیل است. آنچه در شعرهای محمدشاهی می‌بینم تعلق او به خاک و خاکی بودن اوست همچنین درس‌آموزی او در همه اشیا. انشایی که با هم در تقابل‌اند، در تقابل، هم‌زمان ناگهان

مشاوران

سرای «معین التجار»؛ شاهد قاجاری روزگار اهواز



سرای معین‌التجار، از جمله آثار تاریخی شاخص موجود در اهواز محسوب می‌شود که مربوط به دوره قاجاریه زمان پادشاه ناصرالدین‌شاه بوده و یکی از یادگارهای بازمانده از شهر قدیم اهواز است. این بنا توسط حاج محمدتقی معین‌التجار بوشهری و با همکاری محمدحسن‌خان سعدالدوله در ساحل رودخانه کارون ساخته شده است. پس از اعطای امتیاز کشتی‌رانی در رودخانه کارون به دولت انگلیس (سال ۱۲۶۶ ش)، حاج محمدتقی معین بوشهری معروف به معین‌التجار نیز یکی از تجار ایرانی بود که از این امتیاز برخوردار و در ابتدای تأسیس بندر ناصری وارد شهر اهواز شد. بسیاری معین‌التجار دارای یک راسته بازار بوده که این مجموعه در قدیم تا پشت بیمارستان جندی‌شاپور (امام خمینی ره) کنونی) وسعت داشت و مکانی تجاری به حساب می‌آمد تا این‌که در سال ۱۳۱۲ با ساختن پل، بازار نصف شد و رونق اصلی بازار و دادوستد نیز در قسمت سرا همچنان ادامه داشت. بنای معین‌التجار در خیابان ۲۴ منتری، خیابان کاوه غربی، نیش اول واقع شده و این اثر در تاریخ ۲۰ آبان‌ماه ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۱۵۸ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

این بنا جدا از قدمت تاریخی و زیبایی خاص آن، از یک نظر اهمیت فراوانی دارد و آن‌هم تأثیر زیادی است که بر شکل‌گیری

یادداشت

ضربه پناالتی

شود؟ بازیکن حریف بلند خندید و گفت: «حالا چرا این همه استرس داری؟ ناپشتی گل شود. تازه سته هیچ جلوه هستین و ربع ساعتی بیشتر هم به بازی نمانده است.» به اسکوربورد نگاهی انداختم تا ببینم چند دقیقه مانده که ساعت ورزشگاه خراب بود و فقط تاونست تماشاگران تیم منتظر بودند ببینند چه شده که داور پناالتی گرفته است. بازیکنان ما و تیم حریف دور داور حلقه زده بودند و من هم به جای دوری خیره شده بودم که یکی از بازیکنان حریف تیرک دروازه تکیه داده بودم و چرتی زده بودم ناراحت شدم. شاید فکر می‌کردند من می‌خواهم برایشان کری بخوانم یا قصد توهین دارم. هر چه بود دیگر ول کن ماجرا نبودند و مرتب توهین می‌کردند و شعار می‌دادند. دو زانویم را بر زمین گذاشتم تا کمی تمرکز کنم و آماده گرفتن پناالتی شوم که دیدم باز خوابم می‌آید و احتمال خواب بیدارم کرد.

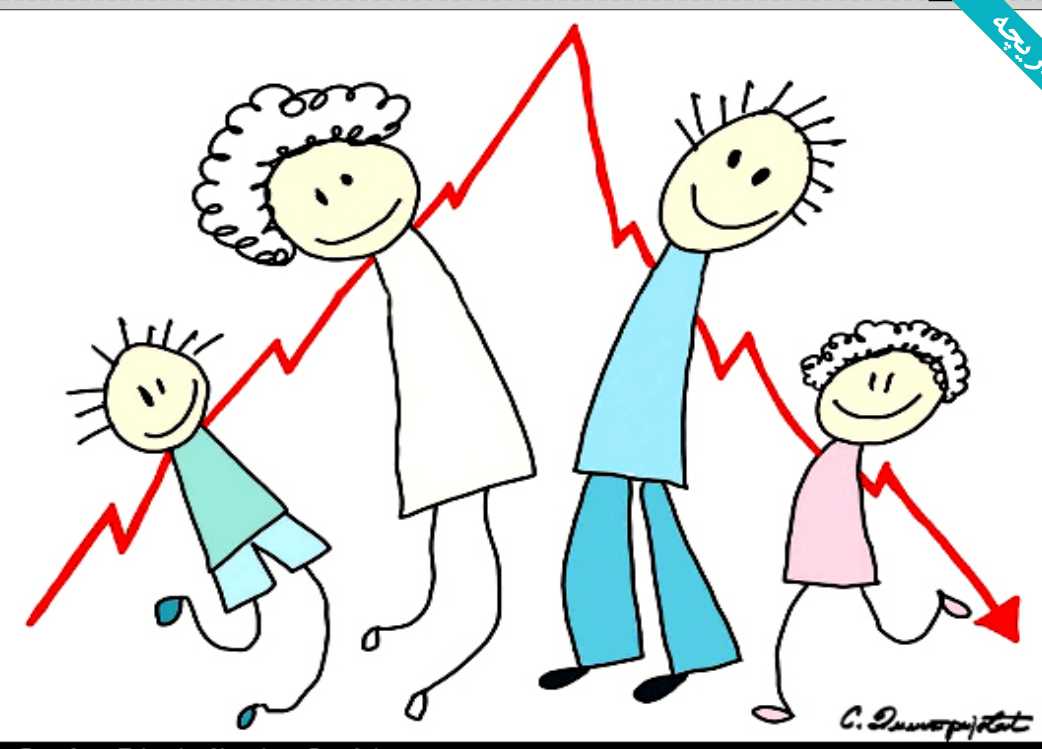


طاهر اکوبیان

روزنامه‌نگار

درد در حال تمرکز باز چرت بزنم و این بار دیگر حتما صدای سرمربی و هم‌تیمی‌هایم هم درمی‌آمد. بلند شدم اما سرم گیج رفت. اولین باری نبود که قرار بسود مقابل ضربه پناالتی بایستم اما انگار با بقیه دفعات فرق داشت. بالا و پایین پریدنم برای روحیه دادن به خودم هم عادی نبود. پادم آمد که دیشب ساعت سه بعد از نصف شب خوابیده‌ام، آن‌هم بعد از خوردن چند آرام‌بخش. گیجی سرم بیشتر شد و چشمانم سیاهی رفت. طوری که هیچ جایی را نمی‌دیدم و به زحمت فقط داور را با پیرهن قرمزش تشخیص دادم که بغلم ایستاده و دارد می‌گوید قبل از ضربه حرکت نکن و از خط دروازه هم جلو نیا و الا... سرم را که به نشانه تأیید تکان دادم سنگین‌تر شد و احساس کردم دارم می‌افتم و دیگر قدرت ایستادن و کنترل خودم را نداشتم که سوت دستور ضربه پناالتی از خواب بیدارم کرد.

دریچه



Sasha Dimitrijevic - Serbia

یادداشت

گر زخم خورم ز دست چون مرهم دوست
یا مغز برآیدم چو بادام از پوست
غیرت نگذارم که نالم به کسی
تا خلق ندانند که منظور من اوست

منتقدان

مستودع:

مرادف ودیعه گیر است. به کسر دال به معنی ودیعه گذار.

مشروط‌علیه:

کسی که شرط به زبان اوست. - آنکه شرط بر عهده او باشد در عقود و ایقاعات.

مشروط‌له:

کسی که به نفع او شرط شده است.

مجازستان

اعتماد فقط اعتماد بین مردم و بانک، ما اعتماد می‌کنیم پول و طلا سسکه میداریم تو بانک، ولی اونا اتقدر بی اعتمادن که خودکاراشون رو با نخ میبندن که برنداری بیری، آخرسرم خودکار سرجاش هست ولی پول و سسکه و طلا ی ما را دزد میبره.

(Mostafa)

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.

به خدا که مرگ بر علم و دانش.

مشکل درس خوندن نسبت به کار کردن اینسه که وقتی برمی‌گردی خونسه، درس تموم نمیشه. هیچوقت تموم نمیشه. ۲۴ ساعته‌ست. بی‌انتهاست. گاهی حتی یادت میره غذا بخوری.